

سبک‌های والدگری در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده

Parenting Style in Different Types of Family in the Family Process and Content Model

S. Samani, Ph.D. ✉

دکتر سیامک سامانی ✉

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

M. Kayyer, Ph.D.

دکتر محمد خیر

استاد بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

Z. Sedaghat

زینب صداقت

پژوهشگر

دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۹
دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۹/۲/۱۵
پذیرش مقاله: ۸۹/۵/۴

Abstract

The purpose of this study was to clarify the parenting style in different types of family in the family process and content (FPC) model. The sample consisted of 770 secondary and high school students in Shiraz city. The Parenting Style Questionnaire (children form), Family Process Scale and Family Content Scale were used in this research.

چکیده:

هدف از این مطالعه تصریح سبک‌های والدگری در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده بود. گروه نمونه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۷۷۰ دانش‌آموز راهنمایی و دبیرستانی از مدارس شهر شیراز بودند. ابزار مورد استفاده در پژوهش شامل پرسشنامه والدگری آلاباما (فرم کودکان)، مقیاس خود گزارشی فرایند خانواده و مقیاس خود گزارشی محتوای خانواده بود.

✉Corresponding author: Dep. Education and Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch
Tel: +9809173150780
Email: samanisiamak@gmail.com

✉نویسنده مسئول: مرودشت - دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
تلفن: ۰۹۱۷۳۱۵۰۷۸۰
پست الکترونیکی: samanisiamak@gmail.com

The last two scales were applied for the differentiation of family types in FPC Model (healthy family, unhealthy family, and two types of problematic families). To compare the different dimensions of parenting style in these types of family, the MANOVA test was used. The findings of the research showed that healthy families have a high positive parenting, high father involvement, and a low implementation of physical punishment on their children. In contrast, unhealthy families showed a high rate of physical punishment, and weakness in monitoring. In sum, the results of this study revealed that different types of family in the FPC Model used different parenting styles.

KeyWords: Parenting style, Family types, Healthy family.

از دو مقیاس فرایند و محتوای خانواده برای گونه‌شناسی خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده استفاده شد. به منظور مقایسه گونه‌های مختلف خانواده (سالم، مشکل‌دار محتوایی، مشکل‌دار فرایند و غیرسالم) در ابعاد مختلف پرسشنامه والدگری آلاباما، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) استفاده گردید. یافته‌های این پژوهش نشان داد که خانواده‌های سالم در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده، از سبک والدگری مثبت، مشارکت بالای پدر، تنبیه بدنی کمتر استفاده می‌کنند. در مقابل، خانواده‌های غیرسالم، استفاده از تنبیه بدنی و نظارت ضعیف بیش از دیگر گونه‌های خانواده قابل مشاهده بود. در مجموع نتایج این مطالعه نشان داد که گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده دارای سبک‌های والدگری متفاوتی می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: سبک والدگری، گونه‌های خانواده، خانواده سالم

مقدمه

سبک‌های فرزندپروری^۱ و سبک‌های والدگری^۲ از موضوعات مورد علاقه برای روان‌شناسان تربیتی می‌باشند. نتایج اغلب تحقیقات حکایت از تأثیر معنادار سبک‌های والدگری بر عملکرد فرزندان دارد (گیکس و سف،^۳ ۱۹۹۰؛ دارلینگ و استنبرگ^۴، ۱۹۹۴؛ جیکوب^۵، ۱۹۸۷). به اعتقاد دارلینگ و استنبرگ (۱۹۹۳) سبک‌های والدگری منظومه‌ای از نگرش‌ها در مورد کودک، نحوه برقراری ارتباط با کودک، روش نگهداری کودک و جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین است. مطالعات صورت گرفته در خصوص سبک والدگری متمرکز بر سه محور اساسی می‌باشد: محور اول شامل تحقیقاتی است که به روابط عاطفی^۶ فرزند و والدین پرداخته‌اند، محور دوم مطالعاتی هستند که به مبحث رفتار والدین اشاره دارند و نهایتاً محور سوم بر نظام نگرشی والدین مبتنی می‌باشند. محور روابط عاطفی فرزند و والدین و نگرش والدین بیشتر مورد اعتنای نظریه‌پردازان در دیدگاه روان‌تحلیل‌گری^۷

می‌باشد و محور رفتار والدین و والدگری بیشتر موضوع کار محققان در دیدگاه یادگیری و رفتاری می‌باشد (کلاین و وایت^۸، ۱۹۹۶). نتایج پژوهش‌های متعدد در این زمینه حاکی از آن است که اغلب محققان محور مطالعه خود در زمینه مؤلفه‌های رفتاری مورد مطالعه در زمینه رفتار والدین را در (سامانی، ۱۳۸۱) قالب پیوستارهای دو قطبی قرار داده‌اند. این اقدام ضمن این که آن‌ها را در گونه شناسی سبک رفتاری والدین یاری داده، منجر به این شده که محققان در مطالعه خود پیرامون سبک والدگری به ابعاد منفی و یا به ابعاد مثبت سبک والدگری توجه نمایند. فریک^۹ (۱۹۹۱) از جمله محققانی است که در تعریف سبک والدگری هم به ابعاد مثبت و هم به ابعاد منفی آن توجه نموده است. این محقق در برخورد با مفهوم والدگری به موضوعاتی همانند والدگری مثبت^{۱۰}، تنبیه بدنی^{۱۱}، نظارت ضعیف^{۱۲}، اعمال اقتدار^{۱۳} و آگاهی از برنامه یکدیگر^{۱۴} اشاره دارد. این محقق در مطالعه خود پیرامون سبک‌های والدگری کمتر به موضوع گونه‌شناسی خانواده^{۱۵} و یا سبک‌شناسی پرداخته است. به اعتقاد این محقق والدین به نسبت متفاوتی از تنبیه و یا نظارت بر رفتار فرزندان استفاده می‌کنند و سبک والدگری مثبت در خانواده‌ها متفاوت می‌باشد و پیامد به کارگیری هر یک از این گونه رفتارها نیز متفاوت می‌باشد. منظور فریک از والدگری مثبت «ارائه تشویق به‌جا و به موقع، مشارکت با فرزندان در امور، پرس‌وجو از فعالیت‌های روزمره فرزندان» می‌باشد. منظور این محقق از تنبیه بدنی «داد و فریاد زدن، کتک زدن، حبس کردن در اتاق و سیلی زدن» و منظور از نظارت ضعیف «عدم نظارت بر ساعت خروج و بازگشت به خانه و بیرون از خانه ماندن برای مدت طولانی» می‌باشد. هم‌چنین منظور از اعمال اقتدار «توانایی والدین در مجبور کردن فرزندان به انجام برخی از امور» و نهایتاً منظور از عدم آگاهی از برنامه «عدم اطلاع والدین و فرزندان از برنامه روزانه یکدیگر» می‌باشد. اما سؤال مهم در مورد ابعاد مختلف والدگری این است که هر یک از این ابعاد در چگونه خانواده‌هایی ظهور پیدا می‌کند؟ بدین معنا که در چگونه خانواده‌ای سبک والدگری مثبت و یا تنبیه بدنی بیشتر استفاده می‌شود. بدین منظور لازم است تا قبل از هر چیز بر اساس ملاک و یا ملاک‌هایی مشخص، اقدام به دسته‌بندی خانواده‌ها نمود و پس از آن به مطالعه سبک‌های رفتاری والدین در هر یک از گونه‌های خانواده اقدام نمود. بسیاری از مدل‌های نظری ملاک دسته‌بندی خانواده‌ها را سبک والدگری قرار داده‌اند؛ همانند مدل نظری بامریند^{۱۶} (۱۹۷۱) که بر اساس دو متغیر میزان کنترل و میزان پاسخ‌دهی اقدام به گونه‌شناسی خانواده‌ها در قالب چهار نوع خانواده مقتدر، دیکتاتور، اجازه دهنده و مسامحه‌کار کرده است. این مدل نظری به دلیل ملاک قرار دادن مؤلفه‌های رفتاری والدین به‌عنوان وسیله‌ای برای گونه‌شناسی خانواده شاید چندان کارآمد نباشد، چرا که قصد و هدف اصلی بررسی سبک والدگری در گونه‌های مختلف خانواده می‌باشد. در این نوع مطالعه متغیر مستقل (گونه خانواده) و وابسته (سبک والدگری) یکسان خواهد شد. به منظور جلوگیری از این مشکل در این

مطالعه تلاش شد تا از مدلی برای گونه‌شناسی خانواده استفاده شود که ملاک گونه‌شناسی آن تاحدی مستقل از سبک‌های رفتار والدین در رابطه با فرزندان باشد. یکی از مدل‌های نظری در گونه‌شناسی خانواده مدل نظری بافت‌نگر فرایند و محتوای خانواده^{۱۷} می‌باشد (سامانی، ۲۰۰۵). مطابق این مدل می‌توان خانواده‌ها را بر اساس دو مؤلفه فرایندهای خانواده و محتوای خانواده به چهارگونه خانواده دسته‌بندی نمود. گونه‌های مختلف خانواده در این مدل عبارتند از: خانواده سالم^{۱۸} (کارآمد)، خانواده غیرسالم^{۱۹} (ناکارآمد) و دو نوع خانواده مشکل‌دار^{۲۰} (مشکل‌دار فرایند و مشکل‌دار محتوایی). منظور از فرایندهای خانواده^{۲۱} در مدل فرایند و محتوا، کنش‌هایی^{۲۲} است که به اعضای خانواده در انطباق با نیازها و شرایط جدید یاری می‌کند. از جمله این کنش‌ها، مهارت مقابله^{۲۳}، انعطاف‌پذیری^{۲۴}، مهارت حل مسئله^{۲۵} و تصمیم‌گیری^{۲۶}، مهارت ارتباطی^{۲۷} و جهت‌گیری مذهبی^{۲۸} می‌باشد. منظور از محتوای خانواده^{۲۹} نیز داشت‌ها^{۳۰} و پتانسیل‌های خانواده اعم از درآمد، تحصیلات، شغل و سلامت جسمی و روانی می‌باشد (سامانی، ۲۰۰۸). شکل شماره یک نشانگر گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده می‌باشد.

سطح کیفی فرایند خانواده	قوی	خانواده سالم	خانواده مشکل‌دار محتوایی
	ضعیف	خانواده مشکل‌دار فرایندی	خانواده غیر سالم
		قوی	ضعیف

سطح کیفی محتوای خانواده

مهم‌ترین مفروضه در مدل فرایند و محتوای خانواده حاکی از این مطلب است که اساساً خانواده‌های سالم (خانواده‌هایی که به لحاظ فرایند و محتوا از قابلیت کافی برخوردار هستند) دارای عملکرد بهتری در مقایسه با دیگر خانواده‌های مطرح در مدل (غیرسالم و مشکل‌دار) هستند (سامانی، ۲۰۰۸). مطابق مدل فرایند و محتوای خانواده، پس از گونه‌شناسی خانواده می‌توان سه نوع توصیه تجویزی

برای خانواده‌ها ارائه نمود. این سه نوع تجویز مبتنی بر آسیب‌شناسی خانواده می‌باشند. تأکید برنامه‌های تجویزی برای خانواده‌های سالم در این مدل بر «برنامه نگهداری از خانواده^{۳۱}»، و برای خانواده‌های غیرسالم و مشکل‌دار فرایندی و محتوایی به ترتیب بر «ارتقاء فرایندهای خانواده^{۳۲}» (از طریق آموزش خانواده) و «توسعه محتوای خانواده^{۳۳}» (از طریق ارائه خدمات اجتماعی) است (سامانی، ۲۰۰۵).

مطابق مدل بافت نگر فرایند و محتوای خانواده، انواع خانواده در مدل، دارای نیمرخ روان‌شناختی متفاوتی می‌باشند. در همین راستا و به منظور تصریح نیمرخ روان‌شناختی گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوا، تحقیقات متعددی صورت گرفته است. به‌طور مثال بهبهانی (۱۳۸۸) در توصیف سبک ارتباطی در گونه‌های مختلف خانواده مطابق مدل فرایند و محتوا به این نتیجه دست یافت که دو الگوی ارتباطی^{۳۴} عمده در «خانواده‌های سالم» سبک «کثرت‌گرا^{۳۵}» و «توافق‌کننده^{۳۶}» می‌باشد و سبک ارتباط غالب در «خانواده‌های غیرسالم» سبک «حمایت‌کننده^{۳۷}» و «به حال خود واگذارنده^{۳۸}» می‌باشد. صالحی (۱۳۸۸) نیز در مطالعه خود نشان داد که خانواده‌هایی که به لحاظ فرایندی از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند، دارای فرزندان با انگیزه تحصیلی و خودپنداره بالا می‌باشند. در همین راستا نتایج مطالعه جعفری (۱۳۸۸) نشان داد که با وجود کنترل متغیر هوش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در خانواده‌های سالم بسیار مطلوب‌تر از دیگر گونه‌های خانواده و به‌ویژه خانواده‌های غیرسالم می‌باشد. سامانی و عبداله‌زاده (۲۰۰۸) نیز در مطالعه خود نشان دادند که خانواده‌های سالم به لحاظ مشکلات هیجانی (افسردگی، اضطراب و استرس) در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده از مشکلات کمتری برخوردار هستند. در همین راستا در این پژوهش برای تصریح بیشتر نیمرخ روان‌شناختی در گونه‌های مختلف خانواده در مدل بافت‌نگر فرایند و محتوای خانواده، بررسی سبک‌های والدگری مورد توجه قرار گرفت. بر همین اساس هدف اصلی در این پژوهش تبیین ابعاد مختلف والدگری در گونه‌های مختلف خانواده تعیین گردید. به عبارت دیگر در این مطالعه به بررسی الگوی والدگری در گونه‌های مختلف خانواده پرداخته شد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهر شیراز بود. گروه مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۷۷۰ دانش‌آموز دبیرستانی و راهنمایی (۳۹۸ دختر و ۳۷۲ پسر) با میانگین ۱۴/۳ و انحراف معیار سنی ۱/۲ بود. گروه نمونه در این مطالعه به شیوه خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. بدین ترتیب که ابتدا از چهار ناحیه آموزش و پرورش شهر شیراز دو ناحیه به صورت تصادفی انتخاب و بعد از هر ناحیه دو دبیرستان (یک دبیرستان دخترانه و یک دبیرستان پسرانه) و

دو مدرسه راهنمایی (یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه) انتخاب شدند. سپس از دبیرستان‌ها دو کلاس از پایه اول و دوم و از مدارس راهنمایی، دو کلاس از پایه دوم و سوم انتخاب شدند (بیست و چهار کلاس) و تمام دانش‌آموزان کلاس‌های انتخاب شده مورد مطالعه قرار گرفتند. دلیل موضوع قرار گرفتن دانش‌آموزان دوره راهنمایی و دبیرستانی، پوشش دادن دوره نوجوانی در مطالعه حاضر بود. جدول شماره دو نشانگر ترکیب گروه نمونه، به تفکیک جنسیت و پایه تحصیلی می‌باشد.

جدول ۲: ترکیب گروه نمونه مورد مطالعه

کل	دبیرستان		راهنمایی		جنسیت
	دوم	اول	سوم	دوم	
۳۹۸	۸۸	۹۹	۱۰۳	۱۰۸	دختران
۳۷۲	۸۷	۸۷	۹۷	۱۰۱	پسران
۷۷۰	۱۷۵	۱۸۶	۲۰۰	۲۰۹	کل

به منظور گردآوری اطلاعات از سه مقیاس خود گزارشی فرایند خانواده^{۳۹}، مقیاس خود گزارشی محتوای خانواده^{۴۰} و پرسشنامه والدگری آلاباما^{۴۱} استفاده شد.

الف) مقیاس خود گزارشی فرایندهای خانواده: مقیاس خود گزارشی فرایند خانواده توسط سامانی (۱۳۸۶، ۲۰۰۸) تهیه و طراحی شده است. این مقیاس شامل ۴۳ سؤال مدرج پنج نمره‌ای (لیکرت) از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) می‌باشد. ضریب پایایی^{۴۲} به شیوه آزمون و بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته و ضریب آلفا برای این آزمون به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۰ گزارش شده است. روایی سازه این مقیاس توسط سامانی (۱۳۸۷) به شیوه تحلیل عامل مورد بررسی قرار گرفته است.

ب) مقیاس خودگزارشی محتوای خانواده: مقیاس خود گزارشی محتوای خانواده توسط سامانی (۲۰۰۸) و مبتنی بر مدل فرایند و محتوای خانواده تهیه و طراحی شده است. این مقیاس شامل ۳۸ سؤال مدرج پنج نمره‌ای از یک (کاملاً مخالفم) تا پنج (کاملاً موافقم) می‌باشد. ضریب پایایی به شیوه آزمون و بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته و ضریب آلفا برای این آزمون به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۹ گزارش شده است. روایی سازه^{۴۳} این مقیاس توسط سامانی و صادق‌زاده (۲۰۱۰) مورد ارزیابی قرار گرفته است.

ج) پرسشنامه والدگری آلاباما: پرسشنامه والدگری آلاباما توسط فریک (۱۹۹۲) تهیه شده است. این مقیاس دارای سه فرم مختلف والدین، فرزند و مصاحبه تلفنی با فرزند می‌باشد. در این مطالعه از فرم فرزند که توسط سامانی، خیر، صداقت و امید (۱۳۸۹) برای استفاده در ایران مورد

انطباق قرار گرفته، استفاده شد. نتایج تحلیل عامل بر این مقیاس در مطالعه سامانی و همکاران (۱۳۸۹) حاکی از وجود شش عامل به ترتیب والدگری مثبت، مشارکت پدر، تنبیه بدنی، اعمال اقتدار، نظارت ضعیف، آگاهی از یکدیگر بود. پایایی عوامل موجود در این پرسشنامه به شیوه بازآزمایی با فاصله زمانی یک هفته در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۹ و ضریب آلفا برای عوامل این مقیاس در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۹۳ قرار داشت. در خصوص این مقیاس لازم به توضیح است که حداقل و حداکثر نمرات خرده‌مقیاس‌ها یک و پنج بود (برای محاسبه نمره هر خرده‌مقیاس، نمره سؤالات با هم جمع و بر تعداد آن‌ها تقسیم شدند).

در این مطالعه از دو مقیاس خود گزارشی فرایند و محتوای خانواده برای گونه‌شناسی خانواده استفاده شد. روش تفکیک گونه‌های مختلف خانواده بر اساس این دو مقیاس مطابق مدل فرایند و محتوای خانواده بدین قرار بود که خانواده‌هایی که در مقیاس فرایند و محتوای خانواده نمره مساوی و یا بالاتر از سه می‌گرفتند به عنوان خانواده سالم، خانواده‌هایی که در هر دو مقیاس نمره کمتر از سه می‌گرفتند به عنوان خانواده غیرسالم، خانواده‌هایی که در مقیاس فرایند خانواده نمره مساوی و یا بالاتر از سه و در مقیاس محتوا نمره کمتر از سه می‌گرفتند به عنوان خانواده مشکل‌دار محتوایی و خانواده‌هایی که در مقیاس فرایند خانواده نمره کمتر از سه و در مقیاس محتوای خانواده نمره مساوی و یا بیشتر از سه می‌آوردند به عنوان خانواده مشکل‌دار فرایندی نامگذاری شدند.

لازم به توضیح است که سه مقیاس فوق توسط تمام شرکت‌کنندگان در مطالعه تکمیل گردید. قبل از تکمیل مقیاس‌ها توسط گروه نمونه، محققان سعی کردند تا در ابتدا این اطمینان برای دانش‌آموزان حاصل گردد که پاسخ آن‌ها کاملاً محرمانه خواهد بود و تنها برای استفاده پژوهشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. هم‌چنین روش تکمیل مقیاس‌ها برای گروه نمونه نیز توضیح داده می‌شد.

یافته‌ها

به منظور تصریح یافته‌ها در این پژوهش ابتدا به ارائه شاخص‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار) مربوط به متغیرهای مورد مطالعه پرداخته خواهد شد و پس از آن با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) به مقایسه ابعاد مختلف سبک‌های والدگری آلاباما (والدگری مثبت، تنبیه بدنی، مشارکت پدر، اعمال اقتدار، نظارت ضعیف و عدم آگاهی از برنامه یکدیگر) پرداخته خواهد شد.

جدول شماره سه و چهار به ترتیب نشانگر میانگین و انحراف معیار ابعاد پرسشنامه والدگری آلاباما در گونه‌های مختلف خانواده و ماتریس همبستگی آن‌ها با یکدیگر می‌باشند.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار ابعاد پرسشنامه والدگری آلاباما

ابعاد پرسشنامه والدگری آلاباما						شاخص	خانواده
عدم آگاهی از برنامه	اعمال اقتدار	نظارت ضعیف	مشارکت پدر	تنبیه بدنی	والدگری مثبت		
۲/۳	۲/۵	۲/۱	۲/۹	۲/۰۴	۳/۴	میانگین	سالم
۱/۱	۰/۹	۱/۰	۱/۳۵	۰/۶۷	۰/۷۹	انحراف معیار	
۲/۴۷	۲/۶	۲/۲	۲/۳۹	۲/۳۵	۲/۴	میانگین	غیرسالم
۱/۲	۰/۹	۱/۱	۱/۴۳	۰/۸۸	۰/۷۹	انحراف معیار	
۲/۷۹	۲/۸	۲/۲	۲/۸	۲/۴	۳/۱	میانگین	مشکل‌دار محتوایی
۱/۳	۰/۸۹	۱/۰	۱/۲	۰/۷۸	۰/۷۳	انحراف معیار	
۲/۳۶	۲/۷۹	۲/۴۶	۲/۴	۲/۴	۲/۹	میانگین	مشکل‌دار فرایندی
۰/۹	۰/۸۲	۱/۱	۱/۱	۰/۸۲	۰/۷۶	انحراف معیار	

جدول ۴: همبستگی ابعاد سبک‌های والدگری آلاباما و ابعاد مدل فرایند و محتوا

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
فرایندها							
محتوا	۰/۵۵*						
والدگری مثبت	۰/۵۵*	۰/۳۷*					
تنبیه بدنی	-۰/۳۳*	-۰/۳۳*	-۰/۱۹+				
مشارکت پدر	-۰/۲۷*	۰/۲۰*	۰/۴۶*	۰/۰۵			
نظارت ضعیف	-۰/۰۶	-۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۲۷*	۰/۱۳		
اعمال قدرت	-۰/۱۶	-۰/۱۴	-۰/۰۳	۰/۳۵*	۰/۲۳*	۰/۲۵*	
عدم آگاهی از برنامه	-۰/۰۷	-۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۲۱+	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۲۴*

*p<0.01, +p<0.05

به منظور مقایسه ابعاد پرسشنامه والدگری آلاباما در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول شماره پنج ارائه شده است. مقدار اثر پیلای (Pillai's trace) برای این مقایسه در مورد گروه‌های مورد مقایسه (گونه‌های مختلف خانواده) برابر با ۰/۲۵ بود که در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار بود.

نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای مقایسه عوامل مختلف موجود در پرسشنامه والدگری آلاباما (والدگری مثبت، تنبیه بدنی، مشارکت پدر، اعمال اقتدار، نظارت ضعیف و عدم آگاهی از برنامه یکدیگر) حاکی از تفاوت معنادار گونه‌های مختلف خانواده در والدگری مثبت، تنبیه

بدنی، مشارکت پدر، اعمال اقتدار و آگاهی از برنامه یکدیگر بود. به منظور تصریح این نتایج از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره برای ابعاد پرسشنامه والدگری آلاباما در گونه‌های مختلف خانواده

F	MS	Df	SS	منابع واریانس	متغیر وابسته
۴۹/۵۱**	۳۰/۴	۳	۹۱/۲۹	گونه خانواده	والدگری مثبت
	۰/۶۱	۷۶۹	۴۷۲/۵	خطا	
۱۶/۰۳**	۸/۵۷	۳	۲۵/۷	گونه خانواده	تنبیه بدنی
	۰/۵۳	۷۶۹	۴۱۱/۱	خطا	
۶/۵۰**	۱۰/۳۸	۳	۳۱/۱۵	گونه خانواده	مشارکت پدر
	۱/۵۹	۷۶۹	۱۲۲۷/۳	خطا	
۱/۷۸	۲/۰۱	۳	۶/۰۶	گونه خانواده	نظارت ضعیف
	۱/۱	۷۶۹	۸۷۰/۰	خطا	
۴/۳۰*	۴/۰	۳	۱۲/۰۱	گونه خانواده	اعمال اقتدار
	۰/۹	۷۶۹	۷۱۵/۴	خطا	
۳/۳۶+	۴/۶۳	۳	۱۳/۹	گونه خانواده	عدم آگاهی از برنامه
	۱/۳	۷۶۹	۱۰۵۷/۴	خطا	

**p<0.001, *p<0.01, +p<0.05

نتایج آزمون شفه برای پیگیری تفاوت معنادار میان گونه‌های مختلف، حاکی از آن بود که خانواده‌های سالم به‌طور معناداری در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده بیشتر از سبک والدگری مثبت استفاده می‌کنند. همچنین خانواده‌های مشکل‌دار محتوایی نیز به‌طور معناداری از سبک والدگری مثبت در مقایسه با خانواده‌های غیرسالم و مشکل‌دار فرایندی استفاده می‌کنند. در همین راستا کمترین میزان استفاده از سبک والدگری مثبت در گروه خانواده‌های غیرسالم بود ($P<0/001$). نتایج آزمون شفه در خصوص عامل تنبیه بدنی نیز حاکی از آن بود که خانواده‌های سالم به‌طور معناداری در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده از تنبیه بدنی کمتری استفاده می‌کنند ($P<0/001$). همچنین نتایج آزمون شفه حاکی از آن بود که در خانواده‌های سالم، مشارکت پدر در امور فرزندان به‌طور معناداری بیشتر مشارکت پدر در دو گونه خانواده غیرسالم و مشکل‌دار فرایندی می‌باشد ($P<0/001$). نتایج آزمون شفه همچنین حاکی از آن بود که خانواده‌های سالم دارای میزان آگاهی بیشتری از برنامه اعضای خانواده خود در مقایسه با خانواده‌های مشکل‌دار محتوایی هستند ($P<0/05$).

در مجموع نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که خانواده‌های سالم (مطابق تعریف مدل فرایند و محتوا) در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده در این مدل، از سبک‌های مثبت والدگری استفاده می‌نمایند. والدگری مثبت، مشارکت بیشتر پدر، عدم تمایل به استفاده از تنبیه و سطح آگاهی اعضای خانواده از برنامه‌های یکدیگر از جمله خصوصیات خانواده‌های سالم در این پژوهش بود.

بحث

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد مهم‌ترین مفروضه در مدل فرایند و محتوا اشاره به موضوع دارد که خانواده‌هایی که از کیفیت فرایندی و محتوایی مناسبی برخوردارند (خانواده سالم)، دارای عملکرد و پیامدهای روان‌شناختی مناسب‌تری در مقایسه با دیگر خانواده‌ها می‌باشند. مطالعه حاضر در تأیید این مفروضه نشان داد که که خانواده‌های سالم (محتوا و فرایند خانوادگی خوب) از عملکرد مناسبی در زمینه والدگری برخوردار هستند و بیشتر از دیگر گونه‌های خانواده از رفتارهای مثبت والدگری همانند تشویق به موقع، توضیح اشتباه فرزندان برای آن‌ها، ایجاد اطلاعات مشترک میان اعضای خانواده، توضیح پیامدهای رفتاری مختلف و همکاری والدین (پدر و مادر) در امور فرزندان استفاده می‌کنند. این موضوع احتمالاً به دلیل مناسب بودن سطح مهارت‌های ارتباطی در میان اعضای خانواده و همچنین توانایی مقابله با مشکلات تربیتی فرزندان در خانواده‌های سالم می‌باشد. این دو مهارت به خانواده کمک می‌کند تا افراد خانواده احساس و افکار خود را به راحتی بیان نمایند و به درکی متقابل در خصوص رفتار یکدیگر دست یابند. این درک متقابل باعث می‌گردد تا والدین، مناسب‌ترین اقدام را در ارتباط با فرزندان خود به کار گیرند. بهبهانی (۱۳۸۸) نیز در بررسی سبک‌های ارتباطی در گونه‌های مختلف خانواده دریافت که خانواده‌های سالم تمایل بیشتری به سبک‌های کثرت‌گرا (سبکی که در آن تمام اعضای خانواده فرصت اظهارنظر و ابراز خود را دارند) و سبک توافق‌کننده (سبکی که اعضای خانواده سعی می‌کنند با گفت‌وگو به اتفاق نظر برسند) دارند. تجلی و لطیفیان (۱۳۸۷) نیز در تحقیق خود نشان دادند که پیامد استفاده از سبک ارتباطی کثرت‌گرا و توافق‌کننده که در آن میزان گفت و شنود میان اعضای خانواده زیاد است، عاملی مهم در حفظ سطح سلامت روان فرزندان به حساب می‌آید. نتایج این مطالعه همچنین حاکی از آن بود که خانواده‌های غیرسالم و مشکل‌دار در مقایسه با خانواده‌های سالم کمتر از رفتار والدگری مثبت استفاده می‌کنند. در واقع تمایل این‌گونه خانواده‌ها به استفاده از تنبیه، بی‌اعتنایی به نیازهای اعضا رایج‌تر است. کورش‌نیا و لطیفیان (۱۳۸۶) نیز در مطالعه خود نشان دادند که در خانواده‌هایی که اجازه ابراز خود به اعضا داده نمی‌شود و میان اعضا تمایلی به گفت‌وگو وجود ندارد، مشکلات هیجانی همانند افسردگی بیشتر مشاهده می‌گردد. گرینواک^{۴۴} (۱۹۹۰) نیز در مطالعه خود نشان داد که کیفیت

تعاملات خانوادگی بر کیفیت پیامدهای رفتاری کودکان تأثیر دارد و خانواده‌هایی که از توانایی تعامل کمی برخوردارند دارای فرزندی با مشکلات رفتاری بیشتر هستند. نتایج این پژوهش و تحقیقات پیش گفته حاکی از آن است که خانواده‌هایی که دارای فرایند خانوادگی مناسبی هستند از فرصت به‌کارگیری استراتژی‌های منطقی‌تر در برخورد با فرزندان خود برخوردارند.

مطابق مدل فرایند و محتوای خانواده (سامانی، ۲۰۰۵)، خانواده‌های سالم از قابلیت مناسبی در استفاده از استراتژی‌های مقابله برخوردار هستند. این قابلیت احتمالاً خانواده‌های سالم را در برخورد با مشکلات مربوط به امور فرزندان یاری می‌دهد. نتایج مطالعه حاضر نیز نشان داد که والدین در خانواده‌های سالم در مواجهه با اشتباهات فرزندان خود از راهکارهایی همانند توضیح علت اشتباه بودن رفتار و اعمال فرزندان، توجه به نظر و دیدگاه فرزندان و عدم استفاده از رفتارهای پرخاشگرانه در قالب رفتار تنبیهی را سبک رفتاری خود قرار داده‌اند. کوئرنر و فیتزپاتریک^{۴۵} (۱۹۹۷، ۲۰۰۲) نیز در مطالعه خود نشان دادند، خانواده‌هایی که در آن‌ها قابلیت گفت و شنود بالا است، اعضا در مرادوات روزمره کمتر دچار تعارض و درگیری با یکدیگر می‌شوند. بدین ترتیب اعضای خانواده‌های سالم به دلیل برخورداری از ابزار مناسب برای درک مناسب یکدیگر و صورت مسئله، مناسب‌ترین روش را در برخورد با مشکلات تربیتی فرزندان به‌کار می‌گیرند. در واقع نوع انتخاب روش برخورد با فرزندان، به شدت وابسته به مهارت‌های بین فردی در میان فرزندان و والدین می‌باشد. این تبیین با توجه به نتایج پژوهش یاهاو^{۴۶} (۲۰۰۲) که نشانگر ارتباط کنش‌های خانواده با اختلالات رفتاری کودکان بود، تقویت می‌گردد.

نتایج این مطالعه هم‌چنین نشان داد که اعضای خانواده‌های سالم از برنامه روزانه یکدیگر در مقایسه با دیگر گونه‌های خانواده اطلاع بیشتری دارند و در مقابل اعضای خانواده‌های غیرسالم از برنامه روزانه دیگر اعضای خانواده کمتر اطلاع دارند. در تبیین این موضوع می‌توان این چنین تحلیل کرد که مطابق مدل فرایند و محتوای خانواده، خانواده‌های سالم از مهارت ارتباطی و انسجام عاطفی بالاتری در مقایسه با خانواده‌های غیرسالم برخوردارند (سامانی، ۲۰۰۸). این قابلیت در میان اعضای خانواده‌های سالم موجب می‌گردد تا اطلاعات بیشتری میان اعضا خانواده مبادله گردد. مطابق نظر السون^{۴۷} (۱۹۹۰) خانواده‌هایی که دارای انسجام عاطفی مناسبی با یکدیگر هستند، میزان اطلاع مشترک آن‌ها بیشتر است و نسبت به برنامه یکدیگر مطلع‌تر هستند. در همین راستا صادقی و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهند که سبک والدگری تأثیر معناداری بر شکل‌گیری انواع خود نزد فرزندان دارد. ماینل و هرینگشو^{۴۸} (۲۰۰۷) نیز در مطالعه خود بر این نکته تأکید دارند که والدگری مثبت توأم با ارتباط مثبت است و این قاعده است که موجب درک متقابل میان والدین و فرزندان می‌گردد. این فرایند علاوه بر این که موجب درک متقابل اعضای خانواده از یکدیگر می‌شود، می‌تواند باعث رشد ابعاد مختلف روان‌شناختی آن‌ها نیز گردد (زارع و سامانی، ۱۳۸۷).

بدین ترتیب با توجه به قابلیت خانواده‌های سالم به لحاظ مهارت‌های ارتباطی و انسجام عاطفی مناسب، فرصت تبادل اطلاعات مهیا می‌گردد و در نتیجه اعضای این‌گونه خانواده‌ها از برنامه‌ها و احساسات و افکار یکدیگر مطلع‌تر خواهند بود.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق می‌توان به این نتیجه کاربردی رسید که در صورت ارتقای کیفیت فرایندها (اعم از مهارت‌های ارتباطی، استراتژی‌های مقابله، مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری) از طریق برنامه آموزش خانواده و هم‌چنین توسعه کیفیت محتوای خانواده (اعم از فرصت‌های شغلی، سطح سلامت جسمی و روانی، سطح تحصیلات و فرصت با هم بودن برای اعضای خانواده) از طریق ارائه خدمات اجتماعی، مقدمات توسعه سبک والدگری مثبت در خانواده‌ها مهیا می‌گردد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---|---|
| 1. Child rearing | 26. Decision Making |
| 2. Parenting | 27. Communication Skills |
| 3. Gecas, V., & Seff, M. A. | 28. Religious Orientation |
| 4. Darling, N., & Steinberg, L. | 29. Family Content |
| 5. Jacob, T. | 30. Possession |
| 6. Emotional Bounding | 31. Family Maintenance Programs |
| 7. Psychoanalysis | 32. Promoting Family Processes |
| 8. Klein, D. M., & White, J. M. | 33. Developing Family Social Services |
| 9. Frick, P. J. | 34. Communication Pattern |
| 10. Positive Parenting | 35. Pluralistic |
| 11. Physical Punishment | 36. Consensual |
| 12. Poor Monitoring | 37. Protective |
| 13. Authority | 38. Laissez-Faire |
| 14. Parents' awareness | 39. Self-report Family Process Scale(SFP Scale) |
| 15. Family Typology | 40. Self-report Family Content Scale(SFC Scale) |
| 16. Baumrind. D | 41. The Alabama Parenting questionnaire(APQ) |
| 17. Contextual Family Process and Content Model | |
| 18. Healthy Family (efficient family) | 42. Reliability |
| 19. Unhealthy Family (inefficient family) | 43. Validity |
| 20. Problematic Family | 44. Greenwalk, D.F. |
| 21. Family Processes | 45. Koerner, A, F.,& Fitzpatrick, M. A. |
| 22. Functions | 46. Yahav, R. |
| 23. Coping | 47. Olson, D |
| 24. Flexibility | 48. Maenle, R., & Herringshaw, D. L. |
| 25. Problem Solving | |

منابع

بهبهانی، م. (۱۳۸۸). بررسی سبک‌های ارتباطی خانواده در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز.

تجلی، ف.، و لطیفیان، م. (۱۳۸۷). تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه هوش هیجانی نوجوانان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۶، ۴۰۷-۴۲۲.

زارع، م.، و سامانی، س. (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۳، ۱۷-۳۶.

سامانی، س. (۱۳۸۱). بررسی مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری روانی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز.

صادقی، م. ا.، انصاری نژاد، ف.، فدایی، ز.، روبن‌زاده، ش.، و ابراهیمی، س. م. (۱۳۸۸). نقش سبک‌های تربیتی والدین در شکل‌گیری انواع خودها و فاصله بین آن‌ها در فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۸، ۱۳۹-۱۴۸.

صالحی، س. (۱۳۸۸). بررسی انگیزش تحصیلی در گونه‌های مختلف خانواده بر اساس مدل فرایند و محتوای خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز.

کوروش‌نیا، م.، و لطیفیان، م. (۱۳۸۶). بررسی ابعاد الگوهای ارتباطات خانواده با اضطراب و افسردگی فرزندان. *خانواده‌پژوهی*، ۱۰، ۵۸۷-۶۰۰.

- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, 4, 1-103.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 487-496.
- Frick, P. J. (1991). Alabama parenting questionnaire. *Communication Studies*, 48, 59-75.
- Gecas, V., & Seff, M. A. (1990). Families and adolescents: A review of the 1980s. *Journal of Marriage and the Family*, 52(4), 941-958.
- Greenwalk, D. F. (1990). Family interaction and child outcome in a high-risk sample. *Psychological Reports*, 66, 675-688.
- Jacob, T. (1987). Family interaction and psychopathology. In T. Jacob (Ed.), *Family interaction and psychopathology: Theories, methods, and findings* (pp. 3-22). New York: Plenum.
- Klein, D. M., & White, J. M. (1996). Family theories: An introduction. UK: SAGE Publication.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (1997). Family type and conflict: The impact of conversation orientation and conformity orientation on conflict in the family. *Communication Studies*, 48, 59-75.
- Koerner, A. F., & Fitzpatrick, M. A. (2002). You never leave your family in a fight: The impact of families of origins on conflict-behavior in romantic relationships. *Communication Studies*, 53, 234-251.
- Maenle, R., & Herringshow, D. L. (2007). Positive family communication. *Ohio State University Extension. Fact Sheet, FLM-FS- 1-2*.
- Olson, D. H. (1990). *Clinical rating scale for Circumplex Model*. St. Paul, MN: Family Social Science, University of Minnesota.
- Olson, D. H. (2009). FACES IV and the Circumplex Model: Validation Study. *Journal of Marital and Family Therapy* [On-line].available: No. doi: 10.1111/j.1752-0606.2009.00175.x
- Samani, S., Sadeghzadeh, M. (2010). Reliability and validity of the self-report family content scale. *Psychological Reports*, 106, 539-547.

- Samani, S., & Abdolahi, N. (2009, September). *Family functions and adolescent mental health*. Paper presented in the World Congress 2009 of the World Federation for Mental Health, Athens, Greece.
- Samani, S. (2005, June). *Family process and content model*. Paper presented in International Society for Theoretical Psychology Conference, Cape Town, South Africa.
- Samani, S. (2008, July) *Validity and reliability of the family process and content scales*. Paper presented in the XXIX international Congress of Psychology, Berlin, Germany.
- Yahav, R. (2002). External and internal symptoms in children and characteristics of the family system: A comparison of the linear and Circumplex Models. *The American Journal of Family Therapy*, 30(1), 39 – 56.

